



بررسی تطبیقی نقوش گیاهی و حیوانی مشترک هخامنشی و صفوی

محمد احمدیان^{1*}، صمد رشه²

1- دانشجوی ارشد معماری - shahab.m1005@gmail.com

2- دانشجوی ارشد معماری

چکیده

هنر دوران هخامنشی به عنوان چکیده ای از هنر تمامی اعصار ایران به شمار می رود. یکی از مشخصات هنر هخامنشی نقوش تزئینی آن است که تاثیر عمیقی بر هنر ادوار و ملل مختلف تاریخ گذاشت. می دانیم که در روزگار هخامنشی برخی حیوانات و پرندگان مقدس شمرده می شد هنرمندان نقش آن ها را سمبل قرار داده و روی دیوارها، کاخ ها و معابد بصورت نقش برجسته عرضه می کردند علاوه بر نقش برجسته ها این حیوانات و پرندگان مقدس را نیز از طلا و نقره می ساختند.

هنرمندان به همین سبب از این موجودات الهام می گرفتند الهامی آسمانی و خدا پسندانه، الهامی که رضایت خاطر آن ها را نیز فراهم می کردند الهامی که خودشان را نیز روشن می ساخت.

نقش حیواناتی همچون شیر، گاو، اسب و عقاب(شاهین) به دفعات تکرار شده است.

سهم هخامنشی در این دوره ترکیبی از ظرافت بخشیدن، تناسب دادن و عظمت بخشیدن به شاخه های مختلف هنری بود به گونه ای که آن را به اوج عظمت و شکوه خود رساند.

در دوره ی صفوی نیز به علت حمایت حاکمان وقت نقش تزئینی از پیشرفت چشمگیری برخوردار بودند. و بیشتر شهرهای صفوی پیشرفت قابل توجهی در نقوش تزئینی داشته اند.

در تحقیق حاضر به رمز و ماهیت نمادشناسانه نقوش خواهد پرداخت. رمز یا نماد بیان ادراکی و مشهود است که باید جایگزین چیزی مخفی و مکتوم شود و این ماهیت در نقوش هر دو دوره کاملاً قابل مشاهده است در این مقاله، با استفاده از روش های تاریخی، توصیفی سعی در ردیابی عناصر نقوش تزئینی هخامنشیان با توجه به کیفیات فرمی و محتوایی آنها در نقوش دیگر دوره ی درخشان فرهنگ و هنر ایران، یعنی دوران طلایی صفوی شده است که به عنوان دوره ی اوج درخشش هنر ایران به شمار می آید.

در انتهای این پژوهش به بررسی علمی و نمادشناسانه و تطبیقی نقوش تزئینی در دوره پرداخته و با ذکر مقایسه ای عناصر با یکدیگر تاثیر پذیری عصر صفوی از این نقوش اشاره کرده است نتیجه ای که در این نوشته حاصل شده آن است که بیشتر نقوشی که به عنوان نقوش تزئینی در دوره صفوی مورد استفاده قرار گرفته اند همان اشکال هخامنشیان است که با کیفیت فرمی و محتوایی متفاوت به کار رفته اند.

واژه های کلیدی: نقوش هخامنشی، نقوش صفوی، نقوش مشترک، نماد



مقدمه

با توجه به تزیین ساختمان‌ها در طول تاریخ از نمادهای زیادی برای آن استفاده شده و در ادوار گوناگون تحولات بسیاری را پذیرفته است. این نقوش در بردارنده‌ی تجارب اجتماعی، فرهنگی و معتقدات مذهبی دوران خود هستند و لذا به فهم بهتر سیر تحول اندیشه‌های مردم دوران خود کمک می‌کنند. با گذشت زمان و در ضمن روابطی که بین اجتماعات و فرهنگ‌های ملل مختلف وجود داشته است این نقوش دچار تغییر و تحولاتی شده‌اند و در برخی موارد، جزئی کوچک یا بزرگ از یک نقش کم شده و یا به طور کلی تغییر یافته و یا نابود شده است. اصولاً در بناهای شاخص هر دوره، تاثیرهای متنوع را می‌توان مشاهده کرد بنابراین مطالعه میان نقوش یک دوران با دوره‌ای دیگر می‌توان پرده از بسیاری اشتراکات میان دو دوره تاریخی در بردارد.

از سوی ماهیت نمادین نقوش به ویژه نقوش تزیینی از اهمیت زیادی در دوره‌های مختلف برخوردار است نماد اصولاً امری مبهم و گنگ یا حاصل یک گرایش احساسی نیست بلکه نماد زبان روح است. (بورکهارت، 1385:64)

در ایران از گذشته‌های دور همچون تمدن‌های سیلک و شوش و دوره‌های تاریخی چون ایلام از نقوش نمادین در آثار هنری خود بهره گرفته‌اند. نقوش سفال‌ها و ابزار فلزی و حتی قالب و فرم بسیاری از ظروف عمدتاً نمادین بودن این ظروف را گواهی می‌دهد نقوش باقی مانده در تخت جمشید و دیگر بناهای برجامانده از دوران اشکانی و ساسانی همه حاکی از تاثیرات شگرف نقوش نمادین در این دوره‌هاست.

بدون شک با توجه به پیشینه‌ی نقوش تزیینی در ایران بسیاری از نقوش به کار رفته در دوران اسلام و صفوی ریشه در دوران‌های ماقبل خود دارند که با توجه به تفاوت اصول زیباشناسی در زمان‌های مختلف و همچنین نوع مواد اولیه و تکنولوژی در دسترس نمونه‌ها ظرافت و جزئیات گوناگونی پیدا کرده‌اند.

در پژوهش‌های متعددی نیز محققان داخلی نقوش این دو سلسله به صورت تطبیقی با نقوش دیگر دوره‌های داخلی یا خارجی صورت گرفته و نحوه‌ی تاثیر گذار پذیری آنها از هم بررسی شده است. (ریاضی، 1382؛ شایسته فر، 1382؛ توسلی، 1387؛ پورجعفر و فرید، 1386)

اما به طور مشخص در مورد تطبیق نقوش تزیینی این دو دوره‌ی مشخص و بررسی نقوش و مضامین مشترک آنها که این پروژه سعی در انجام آن دارد، تحقیق انجام گرفته است. با مطالعه این نقوش می‌توان بسیاری از اسرار و نکات فراموش شده‌ی تاریخ، هنر و فرهنگ ملی ایران را با وحدت بیشتری انسجام و معنا بخشید.

در نقش برجسته‌های تخت جمشید صحنه‌های از مراسم و مناسک رایج در پایتخت شاهان هخامنشی وجود دارد که عمدتاً پیکره‌ی پادشاه کانون اصلی هر صحنه است در این کنده‌کاری‌های زیبا که در دل کوه نقش بسته دسته‌آورندگان هدایا صحنه بارعام پادشاه و دیگر نقوش برجسته مربوط به آرامگاه به نمایش گذارده شده است.

این کنده‌کاری‌ها در عین حال همگی حکایت از تبحر و مهارت سنگ تراشان دارند هر یک گوشه‌ای از این مراسم و وقایع سیاسی مذهبی آن دوران را نیز به نمایش می‌گذارند.

ویژگی این آثار بیشتر در آن است که نشان می‌دهد هنرمندان پیکر تراشی روزگار هخامنشی به طور کلی در خدمت اجرا و طرح نقوش خود بوده و مجال برای بروز تمایلات شخصی خود نداشته بلکه کاملاً مطیع به شمار می‌رفتند.



از دیگر جلوه های هنر دوره هخامنشی پیکره های زیبای از پادشاهان، جانورانی نظیر اسب، گاو، سگ، شیر بر جای مانده اند و افراد و جانوران به صورت نیم رخ نقش می کردند در آثار باقیمانده از پیکرتراشی های هخامنشی قدرت تجسم بخشی، خلاقیت هنری و دقت در انتخاب موضوع به خوبی به چشم می خورد.

چار چوب نظری

واژه پارسی نماد به معنای نماینده، سمبل و نمود و نماد و نماینده است این واژه چون نمود نماینده و ظاهر کننده معنا شده است. (لغت نامه دهخدا)

نماد عبارت از هر چیزی که بتوان با آن بطور معنی دار چیزی را معرفی کرد (رابرتسون، 1371: 80) و اصولاً بسیاری در این نکته اتفاق نظر دارند که نماد به چیزی گفته می شود که نمی تواند به روشی دیگر بیان شود یعنی مفاهیمی که بازبان مستقیم قابل و درک نیستند و زبان با همه محدودیت هایش قادر به انتقال این مفاهیم نیست، قالبی نمادین می گیرند تا بتوانند خود را بیان کنند یا به سخنی دیگر نماد بیان ادراکی مشهود است که با جایگزین امری مخفی و مکتوم شود. (ستاری، 1365: 52)

اما باید میان نشانه و نماد تمایز قایل شد نشانه و نماد هر دو به ورای خود می پردازد لیکن نماد بیشتر رابطه ای قراردادی یا عرضی با آن چیزی دارد که به آن اشاره می کند.

یونگ ضمن بحث گسترده ای که راجع به نماد دارد می گوید: انسان برای انتقال افکار عقاید و ذهنیات خود از گفتار یا نوشتاری استفاده می کند این زبان سرشار از نمادها و نشانه هایی است که به خودی خود معنایی ندارند اما به دلیل کاربرد فراگیرشان دارای معنا هستند و یا اینکه انسان به ظن خود به آن ها مفهوم بخشیده است ولی هیچکدام از این ها نماد نیستند بلکه فقط تداعی کننده نشانه اشیاء هستند: وی در ادامه به معنای نماد می پردازد و معتقد است که نماد یک اصطلاح یک نام یا نمایه ای است که افزودن بر معنای قراردادی و آشکار روزمره خود دارای معنای متقاضی نیز هست. نماد شامل چیزی گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست اما دست یابی به حقیقت نیاز به بحث دارد بنابراین یک کلمه یا نمایه همگامی نمادین می شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار خود داشته باشد این کلمه یا نمایه جنبه ناخودآگاه گسترده تری دارد که هرگز نه نمی تواند به گونه ای دقیق مشخص گردد و نه به طور کامل توضیح داده شود.

همچنین پیرس می گوید: هرگاه از راه قراردادی نسبت به مورد تاویلی، موضوع و مبنای نشانه روشن شود یا به بیان دیگر، قراردادی دال را با مدلول یکی کند با نماد سروکار داریم.

پس نماد تجلی یا واسطه امری معنوی محسوب می شود و نمادپردازی و رمزپردازی جایی آغاز می شود که امکانات بیان محدود بوده و زبان عاجز می شود. بنابراین حقایق متعالی که قابل انتقال و القاء به هیچ طریق دیگری نیستند هنگامی که با سمبل ها، اگر بتوان گفت در می آمیزند تا انداره انتقال پذیر می شوند.

در دوره صفوی نقوش حیوانی خیالی چون سیمرغ و اژدها و ققنوس، حیوانات ترکیبی مثل شیر بالدار و گونه های متفاوت حیوانات واقعی همچون پرندگان (قوش، اردک، طوطی، بلبل و قرقاول) و دریایی (ماهی، لاک پشت)، اهلی (شتر، اسب، سگ)، غیر اهلی (خرگوش، غزال، مار، پلنگ) هستند همچنین نقوش آسمانی چون ابر و صور گوناگون از خورشید نیز دیده می شوند.



در اواخر عهد صفوی به ویژه از زمان سلطنت شاه عباس دوم نقوش حیوانی به صورت طرح اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مقایسه نقوش حیوانی و گیاهی مشترک در تزئینات دوره ی هخامنشی و صفوی

در این قسمت ابتدا نمونه های مشابه از دو دوره ی هخامنشی و صفوی در تقسیم بندی گیاهی و حیوانی ارائه و از لحاظ فرم و محتوا بررسی می شوند و سپس نقوش در داخل جداول تطبیقی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

بررسی نقوش گیاهی دوره هخامنشیان و دوره ی صفوی

در بسیاری از فرهنگ ها گیاه به عنوان اصل و ریشه ی حیات در نظر گرفته می شود به عنوان مثال در آیین میترا وقتی میترا گاو را می کشد از تن آن زندگی به صورت غله آشکار می شود و این نوید بخش زندگی و آفرینش در آیین میترا است (اموزگار، 1374: 20).

در متون مذهبی آیین مذهبی مزدیستی از برخی گیاهان مقدس ذکر نام شده است بنابر متن بندهش گیاه، چهارمین آفریده اهورامزدا در جهان مادی بعد از آسمان و آب و زمین بود و هدف از این آفرینش یاری رساندن به گوسپند سودمند بیان شده است (بهار، 1378: 51).

در اوستا هئومه اسم گیاه مقدسی است که از آن شربتی سکرآور به نام هوم ساخته و به عنوان فدیة به خدایان عرضه می شد (یاحقی 1388: 898). هوم همچنین نمودی از یک ایزد کهن در اوستا است که از او به عنوان دور کننده مرگ سخن رفته و بسیار مورد تقدس و احترام قرار گرفته است گیاه مورد یا مورت نیز از این جمله گیاهان مقدس است. (بنونیست، 1383: 53).

در این میان گل به عنوان یکی از قدیمی ترین نقوش ایرانیان به شمار می آید که در دوره هخامنشی و دوره صفوی نیز به اشکال گوناگون دیده می شود ایران در ادوار مختلف تاریخی از مراکز مهم پرورش گل، به ویژه گل های معطر بوده است در موارد معدودی می توان به نوع گل بکار رفته در آثار هنری پی برد مگر گل های خاص مانند، نیلوفر که دارای پیشینه ی قابل توجهی باشند.

گل نیلوفر (نیلوفر، نیلپر، نیلپر، نیلپر، نیلپر، نیلوفر) یا پیچک و یا لوتوس (لتوس، لوطوس) نام همگانی یک گروه از گل ها و گیاهانی است که در فارسی گل آبراد یا گل زندگی و آفرینش و یا نیلوفر آبی نامیده می شوند در روایات کهن ایران نیلوفر آبی را جای نگهداری تخمه یا فر زردشت که در آب نگهداری می شد می دانستند در اساطیر کهن ایرانی نیلوفر گل ناهید به شمار می رفته و ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایرانی قدیم بوده است ناهید یا آناهیتا فرشته نگاهبان عنصر آب است.

نیلوفر به اشکال مختلفی ترسیم میشود. ویژگی های ریختی این گل (نیلوفر) همچنین به مقدار زیادی گل معروف به شاه عباس را در ذهن تداعی می کند که در زمان حکومت صفویان و در زمان اقتدار شاه عباس کبیر به این نام معروف شد.

1. گل نیلوفر (گل از پهلوی) در دوره ی هخامنشی

نیلوفر آبی (لوتوس) تصویر این گیاه نیز به فراوانی در نقوش تخت جمشید دیده می شود اما مهمترین جنبه گل نیلوفر ارتباط آن با آب است چون آب عنصر اساسی حیات و نماد از اقیانوس اولیه کیهانی. نیلوفر آبی گرچه ریشه در قعر آب دارد ولی بر سطح آب شکفته می شود این گل مظهر از شکوفایی جهان و نیل آن به مرتبه تجلی یا ظهور است در اساطیر ایرانی نیلوفر گل ناهید به شمار رفته است. نیلوفر در هنر هخامنشیان به عنوان نماد صلح و زندگی مطرح بوده است.



شکل 1 - گل نیلوفری در دوره هخامنشی

2. درخت سرو در دوره ی هخامنشی

در هنر هخامنشی درخت سرو که بیشتر در حجاری های تخت جمشید دیده میشود در اعتقاد ایرانیان باستان جنبه مقدس داشت این درخت در آیین مهر نیز مقدس است در اساطیر ایران درخت سرو نماد خدایی گیاهی است مهر تا حدودی نماد خدای نباتی می شود تصویر و نقش سرو در بسیاری معابد میتراپی دیده می شود سرو به علت نیرومندی و سرسبزی دوام برای ایرانیان باستان نماد رونق، قوت، پایداری، سر بلندی ملی و آزادی بوده است.



شکل 2- درخت سرو در دوره ی هخامنشی

1. گل نیلوفر در دوره ی صفوی

نیلوفر به اشکال مختلفی ترسیم میشود. ویژگی های ریختی این گل (نیلوفر) همچنین به مقدار زیادی گل معروف به شاه عباس را در ذهن تداعی می کند که در زمان حکومت صفویان و در زمان اقتدار شاه عباس کبیر به این نام معروف شد.



شکل 3- گل نیلوفری در دوره ی صفوی

2. درخت سرو (زندگی) در دوره صفوی

درخت در باور ایرانیان نماد جاویدانگی، شاه، مقام سلطنت و حکومت است و به نوعی تداعی کننده ی رستاخیز است. در هنر اسلامی نقش درختان یادآور باغ های بهشتی است درخت نمادی از نور و نیروی الهی، دانش، خردوزی و در نتیجه همواره به عنوان تجسدی از اصل خیر مورد احترام بوده است.

نقش درخت زندگی به صورت درختی در وسط محراب در طرح های موسوم به سجاده ای در دوره اسلامی دیده می شود. این طرح از طرفی مفهوم محراب جای عبادت، تقرب خدا و از جایی دیگر مفهوم محراب به معنای جای قرب یعنی (جنگ در راه خدا) را به ذهن متبادر می کند. در این تصویر گلدانی به شکل دو برگ کنگره ای ماهی شکل دیده می شود که یادآور ماهی های محافظ درخت زندگی در اسطوره ی زردشتی است. این نمونه به صورت سندی تداوم مفهوم اسطوره ای ماهی های محافظ درخت زندگی را در افسانه ای زردشتی بر روی بافته های ایرانی بیان می کند.



شکل 4- درخت سرو در دوره ی صفوی

بررسی نقوش حیوانی در دوره ی هخامنشیان و دوره صفوی

حیوانات از جمله پدیده های هستند که پیوندی دیرینه و نا گسستنی با زندگی انسان برقرار کرده اند. در به تصویر در آوردن حیوانات در ایران باستان دو گرایش به چشم می خورد موضوع تصویر شده از حالت کاملا واقع گرایانه ای برخوردار بود، و از طرفی وقتی نقش مایه کاملا واضح و آشکار نبود، به شکلی کاملا منظم و در عین حال خشک و رسمی ترسیم می شد که در برخی موارد حتی به محدوده های انتزاع و تجرید نیز می رسد. نقوش حیوانی در هنر هخامنشی بیش از سایر نقوش و نمادها خود را جلوه گر می سازد. در هنر هخامنشی به ویژه تخت جمشید نقوش حیوانی همچون شیر، اسب، عقاب و گاو به دفعات تکرار می شود. در هنر صفوی حیواناتی همچون سیمرغ، عقاب، شیر و اسب به چشم می خورد. می دانیم که در روزگار هخامنشی برخی حیوانات و پرندگان مقدس شمرده می شدند هنرمندان نقش آن ها را سمبل قرار داده و روی دیوارهای کاخ ها و معابد بصورت نقش برجسته عرضه می کردند علاوه بر نقش برجسته ها این حیوانات و پرندگان مقدس را از سنگ طلا و نقره می ساختند.

که عبارت اند از: شیر، گاو، اسب، عقاب(شاهین) که غالبا تک تک و زمانی باهم در یک اثر هنری جلوه گری می کنند این حیوانات بیشتر متناسب با هیکل طبیعی در نقش واقعی خود ظاهر شده و گاهی نیز تلفیقا باهم ترکیب شده و سر یکی با بدن دیگری پیوند زده و ارائه داده اند و موجودی عجیب الخلقه ی افسانه ای بوجود آورند.

اسب در دوره هخامنشی 1.

اسب به سبب نجابت ذاتی و سودمند بودنش مورد توجه هخامنشیان بوده است. استفاده از نقوش حیوانی بدون توجه به مفاهیم اسطوره ای آیینی و تنها به دلیل زیبای های فرمی آنها صورت پذیرفته است. برای نمونه شاخ های بلند در دوران کهن نماد زایش و باروری بود.



شکل 5- اسب در دوره ی هخامنشی

2. شیر در دوره ی هخامنشی

شیر را به سبب نیرومندی و حاکم جنگل بودنش مورد توجه قرار داده شده است. اما باید در نظر داشت نقش شیر در وضعیت های مختلف به تصویر کشیده شده است که هر کدام از آن ها به تنهای می تواند کارآیی یک نشان باشد در حالیست که شیران قدرتمند دوران هخامنشی در تمدن های همسایه ها تبدیل به موجودات ضعیف و گاه اهریمنی می شدند.



شکل 6- شیر در دوره ی هخامنشی

نبرد شیر با گاو :

یکی از نقش های برجسته بسیار زیبا در تخت جمشید صحنه نمادین نبرد شیر با گاو است این نقش نسبتا تکرار شونده است و یک پیام بسیار مهم بوده که اینگونه به تکلف و تاکید نقش شده اند. رومن گریشمن باستان شناس معروف امریکایی معتقد است: که این نقش گویای تغییر فصول از نیم سال سرد به نیم گرم و به بیانگر بازگوکننده حلول بهار است.



شکل 7- نبرد شیر با گاو در دوره ی هخامنشی

3. عقاب (شاهین) در دوره ی هخامنشی

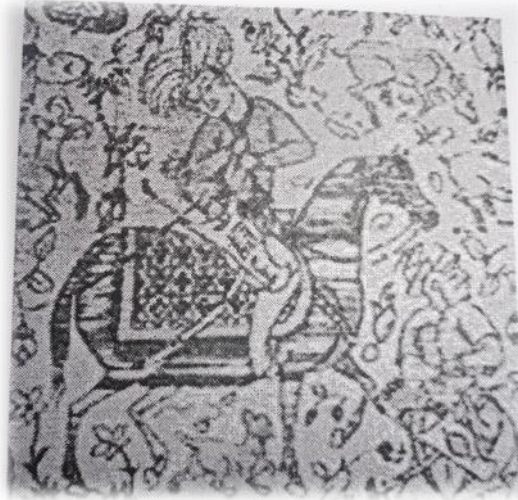
شاهین را بخاطر بلند پروازیها، چابکی، تیزهوشی و تیز چنگی بودنش دوست داشتند. شاهین الهام بخش اوج و ترقی آنها بوده و می خواستند همیشه در آسمان ها سیر کنند و بال شاهین دراز و قوی داشته باشند که شکست ناپذیر است و اقوام دیگر از این داشتن محروم هستند. هخامنشیان نقش شاهین را نشانه اقتدار و توانایی و مظهر جلال و عظمت می دانستند.



شکل 8- عقاب در دوره ی هخامنشی

1. اسب در دوره ی صفوی

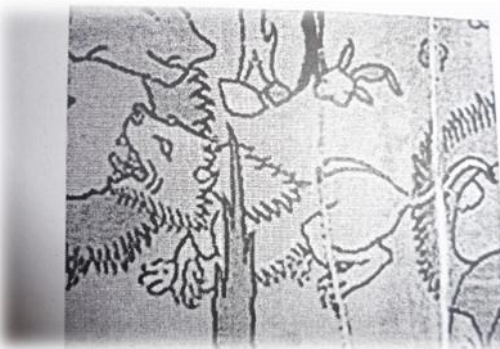
اسب از روزگار کهن در اساطیر ملل مورد توجه بوده و به نگهبانی و تیمار این حیوان سودمند که به صفات تند و تیز و چالاک و دلیر و پهلوان موصوف است. فرشته نگهبان چهارپایان در اوستا خوانده شده است. شاید با توجه به همین مسئله که اسب را شاه چرندگان در میان چهارپایان از همه نیکوتر می‌شماردند . از قول کیخسرو: هیچ چیز در پادشاهی بر من گرامی تر از اسب نیست . در نقش اسب در دیگر نمونه های صفوی نیز که اسب در حال قدم زدن است که همین فرم پاها مشاهده می شود.



شکل 9- اسب در دوره ی صفوی

2. شیر در دوره ی صفوی

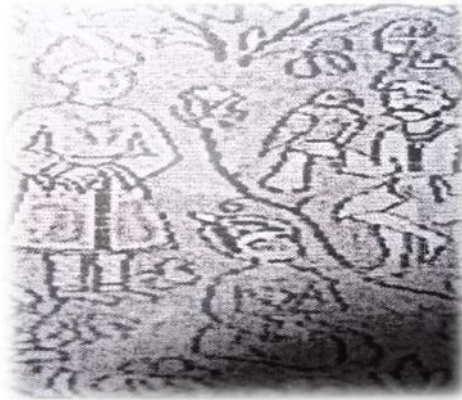
شیر در هنر و فرهنگ بسیاری از ملت‌ها به عنوان سمبل آتش، پارسای، پیروزی، دلاوری، درندگی، زندگی، غرور، مراقبت و مواظبت شناخته شده است. نسبت دادن و نقش برخی از ائمه با شیر بهترین و مناسب‌ترین موقعیت را برای زنده کردن این سنت نقش‌پردازی در دوره ی اسلامی به وجود آورد و شیر مظهر قدرت و شجاعت باقی ماند. نقش شیر از سفال‌های سیلک در فرهنگ ایرانی موجود است تا نقش حمله شیر به گاو که در نقش تخت جمشید کنده شده است این نقش در هنر ایرانی پیش از دوران اسلام وجود داشته است.



شکل 10- شیر در دوره ی صفوی

2. عقاب در دوره ی صفوی

عقاب (شاهین) که نامش در اوستا سئنه آمده است پرنده ای تیزبانگ، بلند آشیان و تند نگاه و سهمگین چنگال است و بیش از صد سال عمر می کند. قوشبازی هنر پرورش و نگهداری پرندگان شکاری است به گونه ای که به واسطه دست آموز کردن این پرندگان می توان از آنها به عنوان ابزاری برای شکار استفاده کرد. در سلاطین صفوی بیش از سایرین به این حرفه علاقه نشان می دادند.



شکل 11- عقاب در دوره ی صفوی

مقایسه نقوش حیوانی و گیاهی مشترک در تزئینات دوره ی هخامنشی و صفوی

نقوش مشترک گیاهی، حیوانی در دوره های هخامنشی و صفوی وارد جداول تطبیقی شدند و در دو بعد مورد مقایسه قرار گرفتند جدول براساس ستون های عمودی و شاخص های ارائه شده مورد خوانش قرار گرفتند. اطلاعات به دست آمده از نقوش هر دوره در جداول دیگری که برای هر دو دوره به طور جداگانه طراحی شد

جدول-1 تطبیق نقوش گیاهی هخامنشی و صفوی

مضمون		ترکیب بندی		شیوه بازنمایی					دوره	عنصر ترکیبی	نوع نقوش	
عناصر طبیعی	اسطوره‌ی	قاب تزئینی	مقارن	هندسی	پویا	ایستا	گرایش به انتزاع	گرایش به طبیعت				
	+	+	+	+	+		+		ه	گل نیلوفر (گل از پهلوی)	نقوش گیاهی	
+			+	+	+		+		ص			
	+	+	+	+		+	+		ه			درخت سرو (درخت زندگی)
	+	+	+		+			+	ص			

جدول-2 تطبیق نقوش حیوانی هخامنشی و صفوی

مضمون		ترکیب بندی		شیوه ی بازنمای					دوره	عنصر ترکیبی	نوع نقوش
عناصر طبیعی	اسطوره‌ی	قاب تزئینی	مقارن	هندسی	پویا	ایستا	گرایش به انتزاع	گرایش به طبیعت			
	+		+		+		+		ه	اسب	نقوش حیوانی
								+	ص		
	+		+		+		+		ه	شیر	
+					+			+	ص		



اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

	+		+	+	+		+	+	۵	عقاب	
						+		+	ص		

جدول-3 اطلاعات به دست آمده از نقوش هخامنشی بر اساس جداول تطبیق

نقوش حیوانی	نقوش گیاهی	۵	
گرایش به انتزاع	گرایش به انتزاع	1	شیوه بازنمایی
هندسی	پویا	2	
گرایش به طبیعت		3	
قاب تزئینی	متقارن	1	ترکیب بندی
	قاب تزئینی	2	
نمادین	اسطوره ی	1	مضمون
سلطنت		2	

جدول-4 اطلاعات به دست آمده از نقوش هخامنشی بر اساس جداول تطبیق

نقوش حیوانی	نقوش گیاهی	ص	
گرایش به طبیعت	پویا	1	شیوه بازنمایی
ایستا	گرایش به انتزاع و طبیعت	2	
پویا		3	
	متقارن	1	ترکیب بندی
متقارن	قاب تزئینی	2	



اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

مناظر طبیعی	مناظر طبیعی	1	مضمون
اسطوره ی	نمادین	2	

نتیجه گیری

نقوش هخامنشی با مشخصه ی گرایش به انتزاع و اشکال هندسی در بازنمای، ترکیب بندی متقارن همراه با قاب تزئینی و مضمون اسطوره ی، نمادین قابل تعریف میباشد.

در مقابل نقوش صفوی مشخصات طبیعت گرایی و پویایی را در بازنمایی، ترکیب بندی آزاد و مضمون مناظر طبیعی، تزئینی را دارا میباشد.

عناصر تزئینی هر دو دوره تا حد زیادی یکسان میباشد. نقوش گیاهی و گل و بوته های تزئینی که به اشکال گل از پهلوی، درخت زندگی و ... به صورت تک و ردیفی در بنا ها استفاده میشدند.

بیشتر نقوش جانوری که به عنوان عناصر تزئینی در دوران صفوی مورد استفاده قرار گرفته اند همان اشکال هخامنشی مانند شیر، اسب و عقاب میباشد که تحت تاثیر شیوه ی نگارگری عهد صفوی با حالتی نزدیک به طبیعت در کنار دیگر عناصر تزئینی، تکمیل کننده طرح اصلی میباشد.

در نهایت طبیعت و عناصر طبیعی در دوران صفوی بارزتر، واقع گرایی تر و پویا تر از دوران هخامنشی به وجود آمده است.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

منابع

1. بورکھات، تیتوس (1385)؛ مبانی هنر اسلامی؛ ترجمه محمود بینای مطلق؛ تهران؛ انتشارات هرمس.
2. توسلی، رضا (1387)؛ بررسی تطبیقی منسوجات صفوی و عثمانی؛ دو فصلنامه مطالعات هنر اسلام 8.
3. دهخدا، علی اکبر (1373)؛ لغتنامه؛ تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران.
4. ستاری، جلال (1365)؛ رمز اندیشی و هنر قدسی؛ تهران؛ انتشارات توس.
5. آموزگار، ژاله (1374)؛ تاریخ اساطیری ایران؛ تهران؛ انتشارات سمت.
6. احمدی، بابک (1371)؛ از نشانه‌های تصویری تا متن؛ تهران؛ نشر مرکز.
7. تاجبخش، احمد (1378)؛ تاریخ صفویه (جلد دوم)؛ شیراز؛ نوید شیراز.
8. عابد دوست، حسن؛ کاظم پور، زیبا (1388)؛ صورت‌های متنوع درخت زندگی بر روی فرش‌های ایرانی، فصلنامه علمی پژوهشی گلنام، شماره 12

سایت‌ها:

www.seemorgh.com

www.tarikhfu.com